

# چگونگی آب شرب پایتخت در دوران قاجاریه

سناتور علی اکبر جلیوند

موضوع کم آبی در شهر طهران از بدو انتخاب این شهر بعنوان پایتخت مشکلی را برای سکنه آن فراهم میکرد اگر چه شهر طهران در ایام قدیم بدین وسعت و این جمعیت نبود ولی مشکل کم آبی بخصوص در فصل تابستان هر ساله کم و بیش موجود بود مخصوصاً " در محلات جنوبی طهران .

در سال ۱۳۱۴ هجری قمری یعنی سال اول سلطنت مظفردالدینشاه که کم کم بی نظمی و هرج و مرج در تمام شئون مملکت شروع شده بود در امیر تقسیم آب در محلات شهر طهران هم این بی نظمی بچشم میخورد بخصوص که اهل نظام و سربازان بواسطه بی انضباطی و اشرار محل بجهت ضعف حکومت بزور متوسل شده و حق سایرین را تضییع میکردند و میرابها هم از این موقعیت سوء استفاده کرده نهایت اجحاف را مینمودند . از جمله در محله چاله میدان که از محلات قدیمی و پر جمعیت دارالخلافت بود بواسطه کمی آب مشکلات مردم از این حیث بیشتر از سایر نقاط بود و گاه در تابستان دو ماه و بلکه بیشتر آب به بعضی خانهها نمیرسید .

در آن ایام قسمت اعظم محله چاله میدان از قنات مرحوم حاجی حسین خان شاهسون ملقب به شهاب الملک<sup>(۱)</sup> مشروب میگردد . این قنات را مرحوم حاجی شهاب الملک که بعداً "ملقب به نظام الدوله شد احداث کرده و آب آنرا با شرایطی برای استفاده ساکنین محله چاله میدان وقف نموده بود منزل خود او هم در همان محله بود که بعد از فوت وی پسرش حاجی غلامرضا خان آصف الدوله<sup>(۲)</sup> در آن منزل سکونت داشت و مظهر قنات موصوف

۱- حسین خان شاهسون از رجال و سرکردگان نیمه اول عصر ناصری است و مناصب مهم و مختلف داشته از جمله استانداری کرمان و بلوچستان - خراسان و غیره - ابتدا لقب او شهاب الملک بود و بعد به نظام الدوله ملقب شد .

۲- غلامرضا خان شاهسون پسر حسین خان نظام الدوله ابتداء ملقب بشهاب الملک و آصف الدوله شد از رجال و اواخر عصر ناصری و زمان مظفردالدینشاه است و والی کرمان و بلوچستان - کرمانشاه - مازندران - خوزستان - خراسان - و حکومت طهران را داشت ، و در اوائل مشروطیت در کابینه ناصر الملک مدت کمی وزیر کشور شد .

هم در خانه مرحوم شهاب‌الملک بود. اداره قنات مزبور از نظر اجرای شرایط و قفنامه با میرزا محمد خان مشکوة الممالک<sup>(۳)</sup> بود که سالها طبق قفنامه عمل مینمود و اهالی محله چاله میدان هم راضی بودند. در تابستان سال ۱۳۱۴ هجری قمری بواسطه کم آبی و بی نظمی در امر تقسیم آب قنات مذکور و تعدی سربازان و اشرار محل و سوء استفاده و اجحاف میرابها و نبودن نظم و نسق در کارها مشکوه الممالک از مداخله در امر قنات خودداری نمود و در نتیجه امر آب رسانی به محله چاله میدان مختل شده و اهالی آن محله از این حیث در مضیقه واقع شدند لذا به حاجی شیخ فضل الله نوری مجتهد متنفذ و مشهور طهران متوسل میشوند. ایشان هم شرحی بشاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاکم طهران در این باب مینویسند و فرمانفرما<sup>(۴)</sup> هم از مشکوة الممالک میخواهد که بواسطه سابقه و اطلاع در امر قنات و تقاضای اهالی محل مجدداً "مداخله نموده و نظم و ترتیبی در این باب بدهد که ساکنین محله چاله میدان آسوده شوند، در ضمن چنانچه کسی تخطی و تجاوزی کند جدا جلودگیری نماید.

مشکوة الممالک، هم ابتداءً نامه‌ای بصادق خان امین نظام<sup>(۵)</sup>. امیر توپخانه نوشته و از ایشان میخواهد که از سربازانی که در امر قنات مزبور بدون حق مداخله نموده و حق سایرین را تضییع میکنند جلوگیری شود. امیر توپخانه هم بسربازان مذکور قدغن میکند که دخالتی در کار قنات و تقسیم آب آن ننمایند.

و بعد قرار دادی برای تقسیم آب در ایام هفته بین کوچه‌ها و خانه‌های محله چاله میدان از طرف مشکوة الممالک بامانای دولت پیشنهاد میشود که بوسیله میرزا شفیق مستشار الملک وزیر طهران<sup>(۶)</sup> و نصره السلطنه<sup>(۷)</sup> دائی مظفرالدینشاه که مسئول امور سرباز

۳- میرزا محمد خان مشکوة الممالک از درباریان اواخر عصر ناصری و زمامان مظفرالدینشاه است و یسرحاجی میرزا علی مشکوة الملک مشهور به مقدس است که پیش خدمت مخصوص ناصرالدین شاه بوده و حکومتهای مختلف داشته است.

۴- عبدالحسین میرزا فرمانفرما پسر فیروز میرزا نصره الدوله و نوه عباس میرزا نایب السلطنه است ابتداءً بلقب نصره الدوله و بعد سالار لشکر و در آخر فرمانفرما ملقب گردید. از رجال سرشناس دوره مظفرالدین شاه و زمان مشروطیت است مشاغل بزرگ بعهده داشته. در مشروطیت هم بدفعات وزیر و یک دفعه هم رئیس الوزراء شده است.

۵- صادق خان یا محمد صادق خان امین نظام از طایفه قاجار شامیاتی و از محصلین دوره اول دارالفنون در رشته توپخانه بود مدت‌ها ریاست توپخانه را داشت و بهمین مناسبت ملقب به امین نظام گردید و با میر توپخانه مشهور بود.

۶- میرزا شفیق از اهالی گرگان آشتیان و جزء مستوفیان بود در عصر ناصری و

خانه‌ها بوده تأیید میشود و قرار بر اجرای آن گذاشته میشود و کار آب رسانی بخانه‌های محله چاله میدان در مدت کمی تا اندازه‌ای سرو صورت میگیرد که اهالی محله مزبور بوسیله سید محمد مجتهد شرحی بفرمانفرما حکومت طهران نوشته و اظهار رضایت مینمایند . و بعداً " از طرف مشکوه‌الجمالک برای وظایف میرابها و حق الزحمه آنها و نظم آب رسانی بآن محله پیشنهادی بحکومت طهران و امنای دولت میشود که از طرف میرزا اسدالله خان ناظم الدوله ۸ حاکم وقت طهران و سلطان حسین میرزانیرالدوله ۹ وزیر طهران و نصره السلطنه دائی مظفرالدینشاه و حسن خان وزیر نظام ۱۰ تأیید شده و بموقع اجراء گذاشته میشود و همچنین باقرخان سعدالسلطنه ۱۱ از رجال آن زمان که ساکن محله چاله میدان بوده است



مظفری پیشکاری مالیه خراسان و آذربایجان را داشته در سال ۱۳۱۴ معاون فرمانفرما حاکم طهران شد که باصطلاح آنروز وزیر طهران میگفتند .

۷- روح‌الله میرزا نصرالسلطنه دائی مظفرالدینشاه و نوه فتحعلیشاه است در دستگاه ولیعهد مظفرالدین میرزا در تبریز مشغول خدمت بود و سمت مهنداری و پیشخدمت باشی ولیعهد را داشت و در زمان سلطنت مظفرالدینشاه این سمتها را باضافه مناصب دیگری برای خود حفظ کرده بود .

۸- میرزا اسدالله خان از خانواده دیباو برادر ناظم‌العلمای تبریزی است از اعضاء وزارت خارجه و از رجال مشهور زمان ناصرالدینشاه و مظفرالدینشاه میباشد ابتداءً وکیل الملک لقب داشت ، بعد ملقب به ناظم الدوله شد و وزیر مختار ایران در پترزبورگ و اسلامبول بوده مدتی حوالی فارس و در سال ۱۳۱۵ هـ ق وزیر دادگستری شد و در اواخر همین سال بجای فرمانفرما حاکم طهران گردید و بعد رئیس دوازدهم شورای کبری گردید در سال ۱۳۱۹ هـ ق در گذشت مردی فاضل و دانشمند بوده است .

۹- سلطان حسین میرزانیرالدوله نوه فتحعلیشاه از شاهزادگان متمول و اکثراً " حکومت نیشابور و سبزوار را داشت مدتی که والی خراسان بود در سال ۱۳۱۶ هـ ق که حکومت طهران بناظم الدوله تفویض شد وی معاون حاکم تهران و سپس حاکم تهران گردید .

۱۰- حسن خان افشار فرزند آقاخان افشار که آخوندباشی کل نظام است که بعد از مرگ پدر ابتداءً لقب آخوندباشی گرفت و بعداً بهرتبیب بالقباب سیف‌السلطنه - وزیر نظام و سردار کل ملقب گردید از رجال و سرکردگان اواخر دوره ناصری و زمان مظفرالدینشاه بود و نیای خانواده‌های افشار و یار افشار میباشد .

۱۱- آقا باقر ملقب بعدالسلطنه پسر دائی میرزا علی اصغر خان اتابک از متنفذین



شرحی به مشکوٰۃ الممالک نوشته و تقاضا مینماید که بواسطه اطلاع و سابقه و همچنین برای تحصیل ثواب و اخروی در امر تقسیم آب قنات مزبور از لحاظ رفاه و آسایش اهالی محله مراقبت و احترام کامل بنماید که در حاشیه نامه مذکور میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم وقت این موضوع را تأکید و تأیید مینماید .

بهر حال چون این مکاتبات مربوط به هشتاد سال قبل است و تا اندازه ای روشنگر طرز فکر مسئولین امر در آن ایام و نوع اداره کارها در آن زمان و اهمیت موضوع تأمین آب برای سکنه دار الخلافه بوده است و در ضمن اسامی کوجه ها و ساکنین سرشناس این محله قدیمی را در آن ایام متذکر است لذا مطالب چند نامه را که در بالا ذکر شد برای مطالعه علاقمندان ذیلا " نقل مینماید :

نامه حاجی شیخ فضل الله نوری مجتهد بفرمانفرما حکومت طهران

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض میشود: بعد از اظهار دعاگوئی و ثنا جوئی که وظیفه مستمر است تصدیق میدهد اهالی و سکنه چاله میدان کرارا " بواسطه بی آبی نزد داعی آمده اند و تشکی و تظلم نموده اند که جماعتی از اوباش و اشرار که در سر قنات موقوفه مرحوم شهاب الملک آمده اند و برخلاف قرار داد واقف شق نهر کرده و آب را بخارج میبرند و موقوف علیهم را تشنه نگاه میدارند . مرحوم شهاب الملک که این قنات را وقف نموده شرایط چندی مقرر داشته که اهالی آن محل آسوده باشند و بی آب نمانند چون جناب فخامت نصاب میرزا محمد خان مشکوٰۃ الممالک که از سکنه آن محل و از وضع بی آبی و آن حضرات اشرار اطلاع دارند امر و مقرر فرمایند که دو نفریکه خود اهالی به تراضی معین نموده اند مقرر کند که بدون اطلاع این دو نفر آب را به محل نبرند و در هر شب و روزی با اطلاع و همراهی این دو نفر آب را به محل کوجه و شارع برسانند که موقوفها علیهم تشنه نمانند معلوم است مرحمت خواهند فرمود که تمام اهالی مشروب و دعاگوی وجود مسعود حضرت مستطاب اسعدوالا باشند . زیاده عرضی ندارد . ایام جلالت مستدام پشت صفحه مهر شیخ فضل الله نوری است . باسجع مهر ذلک فضل الله یوتیه من یشاء .



و متولین او آخر عصر ناصری و زمان مظفرالدینشاه میباشد حکومت های مختلف و صاحب و مشاغل متعدد داشته در سال ۱۳۲۵ " اوائل مشروطیت " حاکم زنجان بود که بدستور ملاقرابعلی مجتهد منتفذ و مستبد زنجان بوسیله اشرار بسختی مجروح گردید که همین جراحت موجب مرگ وی شد .

شرحی که فرما نفر حاکم طهران در حاشیه نامه حاج شیخ فضل الله مجتهد به مشکوه الممالک نوشته است؛ جناب مشکوه الممالک زید مجده . این مرقومه جناب مستطاب آقای شیخ فضل الله سلمه الله را بخوانید و چون خودتان از مسئله مسبوق و سابقه اطلاع دارید کاملاً " در این باب رسیدگی و از روی قرار داد واقف و طوریکه اسباب آسودگی اهل محله است قدغن نمایند اراضی موقوف علیهم را سیراب نمایند و آبی که از باغ جناب جلالتمآب اجل آقای آصف الدوله دام اقباله بیرون میآید تمام و کمال باهل محله و موقوفات برسانند و اگر شق نهر کرده و بخواهند آب را بخارج برده و موقوف علیهم را تشنه نگاهدارند موافق قرارداد واقف نهر آنهارا پرکنید و تمام آب را باهالی و سکنه چاله میدان بدهید که خلاف قرارداد وقف نشده و آسوده شوند البته در این خصوص دقت و اهتمام کامل مرعی نمائید که مجدداً " اسباب تشکی آنها نشود .

پشت صفحه مهر فرمانفرما

نامه‌های آسید محمد مجتهد به فرمانفرما حکومت طهران

عرض میشود بجهت بیان عرض تشکر این حکومت را بنمایم که عطف و مرحمت حضرت مستطاب اجل اشرف والا شامل حال فقراء و ضعفاى اهل محله چاله میدان شده گه جناب جلالتمآب آقای مشکوه الممالک دام اقباله را متعجب فرموده که باهتمام ایشان اکثری از خانه‌هاییکه دو ماه متجاوز بود آب نرسیده بود مشروب شوند و دعاگوی وجود مبارک هستند عریضه‌ای هم اهل محل عرض کرده اند بلحاظ مبارک میگردد تتمه خانه‌ها که بی آب مانده است بواسطه تقلباتیکه آقای مشکوه الممالک از این چند نفر میراب دیده‌اند چندی است توجه نمیکنند و میراب هم بدلخواه خود تعدیات میکنند استسدا آنستکه مقرر فرمائید بهمان اهتمام سابق که در کمال انتظام بود جناب ایشان مراقبت کنند که کار بر مردم سخت نشود تا مزید بردعاگوئی و دوام عمر و عزت حضرت مستطاب والا بوده باشد .

پشت صفحه مهر محمد الحسینی

شرحی که فرمانفرما در حاشیه نامه فوق‌الذکر به مشکوه الممالک نوشته است :

جناب جلالتمآب مشکوه الممالک این رقعہ جناب مستطاب آقا سید محمد سلمه الله تعالی مرقوم فرموده‌اند و اهل محله از جناب شما کمال رضایت را دارند بهتر این است مراقبت بیشتر نموده آنهائیکه آب یاری نشده و سختی دارند مقرر که مشروب نمایند و اگر هم کسی از جناب شما خیال‌تمرد داشته باشد بجناب جلالتمآب آقای مستشارالملک دام اقباله اطلاع بدهید اجرای مقصود شما را خواهند فرمود که اهل محله آسوده شوند فی شهر ربیع الثانی ۱۳۱۴

پشت صفحه مهر فرمانفرما

نامه مشکوة الممالک بصادق خان امیر توپخانه :

قربانت شوم حسب الامر حضرت اجل عالی که این چهار نفر اهل نظام .  
مصطفی موزیکانچی غلامعلی توپچی صفر قورخانچی جعفر قورخانچی  
باید مداخله بامر آب قنات مرحوم مغفور نظام الدوله بهیچوجه نداشته باشند محض  
آنکه گاه و بیگاه مداخله نمایند مستدعی است دو کلمه دستخط فرموده مبرهن شود که هر وقت  
مداخله و شرارت نمایند منع کرده تا اسباب آسایش اهل محل گردد زیاده جسارت است .  
شرحی که امیر توپخانه بسربازهای مزبور نوشته است :  
مصطفی و غیره ابداً " در سرقنات و مداخله آب نباید بنمائید اگر حرفی داری بیانزد  
من مطلع شوم . پشت صفحه مهر صادق

### صورت تقسیم آب قنات مزبور در ایام هفته

در ایام هفته آب باینقرار به محلات خواهد رسید :

شب یکشنبه و روز یکشنبه از باغ ملا کریم الی کوچه نجار باشی تا برسد خانه لقمان الملک  
شب دوشنبه و روز دوشنبه از باغ ملا کریم الی حمام قبله تا برسد خانواده آقا الی کوچه  
آقای وقایع نگار تا برسد خانه درویشها  
شب سه شنبه و روز سه شنبه از در مسجد آقا میرود کوچه حمام گلشن الی برسد خانه آقای  
حاجی میرزا هادی الی پشت بدنه .  
شب چهارشنبه و روز چهارشنبه از تکیه عباسعلی میرود خانه آقای آقا سید ابراهیم  
قزوینی تا برسد خانه آقا سید کاظم از آنطرف خانه حاجی میرزا محمد علی محتاج .  
شب پنجشنبه و روز پنجشنبه از حمام قبله الی خانواده حاجی علیقلی خان تا برسد خانه  
محمد تقی خان و کوچه افشارها الی چاله میدان .  
شب جمعه خانه جناب نظام الدوله با همسایه های مشارالیه .  
شب شنبه و روز شنبه از باغ ملا کریم الی برود کوچه خانواده نایب سیفعلی خان تا برسد  
خانه حاجی محمد حسن .

### شرحی که مستشار الملک وزیر طهران در تأیید این تقسیم آب نوشته است

از قراریکه در این ورقه نوشته شده معتمد السلطان جناب مشکوة الممالک قدغن نموده  
میرابها مخالفت ننموده خانه های مفصله را مشروب نمایند که مردم آسوده باشند . شهر  
ربیع الثانی ۱۳۱۴ مهر مستشار الملک

شرحی که نصره السلطنه دائی مظفرالدینشاه در تأیید تقسیم نامه مزبور نوشته است

بموجب این ورقه که جناب معتمد السلطان مشکوة الممالک زبیده مجده عالی قرار داده اند و جناب جلالتمآب اجل مستشار الملک وزیر دارالخلافه دام اقباله تصدیق نموده بهمین قرار رفتار نموده مطلقاً "تخلف نوزند ۲۵ شهر جمادی الاخر ۱۳۱۴ مهر نصر السلطنه .

### وظایف میرابها و حق الزحمه آنها

محض سلامت و دعا گوئی وجود مسعود مقدس اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه اسلامیان پناه ارواح العالمین له الفداء امروز مقرر است که اهل محله چاله میدان همه ساله بجهت آب تنگی داشتند و بخسارت زیاد در هوای گرم پس از انتظار دو ماه از میرابها تحصیل آبی میکردند و غیر مکفی بود لهذا بلا حظه رفاه حال اهل محل و آسایش آنها که هر هفته آب از خریداری و غیر خریداری بهمه جا برسد قرار بر این شده است .

اولاً : هر کوجه مخصوص یک نفر میراب و شاگردش خواهد بود باکمال مواظبت که از وعده تخطی نکرده بنام خانهها آب برساند در صورت صحت قنات .

ثانیاً : اهل هر خانه در سال آنچه بمیراب می دادند و بزحمت و نزاع آب میبردند حال بانهایت آسایش و حرمت آن میراب آب را خواهد رسانید و در ازاء این خدمت و زحمت او هر کس در سال بفرآخور حال خود آنچه میداند نصف آنوجه را تقسیم کرده ماهانه بدهند که مخارج میراب و شاگردش و شمع بشود که از اول شب تا صبح حرکت خواهد کرد . مثلاً " اگر اهل خانه در سال دوازده قران میدادند حالا ماهی پانصد دینار بدهند تا هر هفته در تابستان ساعتی پانزده قران موقوف شود دیناری زیاده از آن مأخذ میراب حق ندارد که چیزی بگیرد و هرگاه در سقایت و آب رسانیدن اهمال و مسامحه نمایند در ضمن اخاذی نمودند پس از تنبیه اخراج خواهند شد . باید بدون معطلی و تعلل در هر ماه ماهانه خود را بدهند که تعطیل در امر آب نشود . و هر یک از خانهها که ماهانه برای حق الزحمه میراب معین نمایند میراب آب نخواهد داد و حق گفتگو هم ندارد .

تحریر فی غره شهردی قعده الحرام ۱۳۱۴

شرحی که ناظم الدوله حاکم طهران در تصدیق وظایف میرابها نوشته است

چنانچه از قدیم الایام عمل قنات موقوفه مرحوم شهاب الملک موافق احکام شرعیه با جناب جلالتمآب مشکوة الممالک بوده است باید حالا هم ایشان اقدام نموده و هر کدام از

میرابهارا اصلاح میدانند باید اخراج کرده نگذارند در سر آب باشند و هر کدام از دستورالعمل و صوابدیدایشان تخلف و تجاوز نمایند تنبیه نماید که در کمال نظم و ترتیب بهمان قرار داد سابق آب باهل محل برسد و اسباب شکایت احدی فراهم نیاید هر وقت از حکومت دارالخلافت تقویت بخواهد فراش حکومت برود و بدستورالعمل ایشان رفتار کند ۲ ربیع الثانی ۱۳۱۶ مهر ناظم الدوله

### نوشته نیرالدوله وزیر طهران در تأیید وظایف میرابها

جناب مشکوه الممالک دام مجدده العالی این قراریکه داده اید صحیح است و باید تمام اهل محله چاله میدان از همین قرار رفتار نموده و آنچه تعیین کرده اید برسانند و با سودگی مشروب شوند فی غره ذی القعدة الحرام ۱۳۱۶ مهر نیرالدوله

### نوشته وزیر نظام در تصدیق وظایف میرابها

موافق مرقومات مبارکه جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای ناظم الدوله و حضرت مستطاب اشرف والا آقای نیرالدوله دامت شوکتها باید جناب جلالتمآب عالی آقای مشکوه الممالک قراردادمتن رامعمول و مجری دارند فی شهر جمادی الاولی ۱۳۱۶ مهر وزیر نظام

### نوشته نصره السلطنه در تصدیق قرار داد مزبور

چنانچه از سوابق ایام معمول بوده است باید امر قنات موقوفه مرحوم شهاب الملک باجناب جلالتمآب مشکوه الممالک بوده باشد و هیچکس حق مداخله در کار قنات ندارد و باید میراب را خود ایشان معین نمایند و باختیار و استظهار ایشان است کلیه امور قنات و از اهل نظام چنانچه شرعا " مقرر است بعدا " کسی نباید مداخله کند فی شهر جمادی الاولی

۱۳۱۶

مهر نصر السلطنه

نامه سعد السلطنه به مشکوه الممالک درباره تقسیم آب قنات مزبور

خدمت ذی سعادت جناب جلالتمآب آقای مشکوه الممالک زید مجدده العالی  
غرض از احداث این قنات و اجرای این آب این بود که اهالی محله چاله میدان بواسطه



فانت هم در این حد در این حد در این حد  
 مصطفیٰ بن ابی طالب (ص) در این حد

بایم ازله با امر آب قاتل مردم محفوظ است  
 در این حد در این حد

مغنی لکنه لک و بیگانه در این حد  
 در این حد در این حد

فرمانه بر این حد در این حد  
 در این حد در این حد

منع کلمه آب عاقل و هر کس که  
 در این حد در این حد

کلمه آب  
 در این حد در این حد

کلمه آب  
 در این حد در این حد

کلمه آب  
 در این حد در این حد

کلمه آب  
 در این حد در این حد

کلمه آب  
 در این حد در این حد

نامه صادق خان امیر توپخانه به مشکوه الممالک



حضرت نیا خانی قنبر قنبر

نامه سعد السلطنه به مشکوه الممالک

معرض از احداث این دریا این آب بر کوه ایلی  
در بطن قنبر ایوان در راه نیشنه صفت  
در قرار کوه جمله شهر میزد در بطن صفت

در این فضا محترم

این آب در جهان معدوم است در این  
در این مملکت که نیشنه

در کوه ایلی در بطن ایلی در راه  
حالی در بطن در بطن در راه

در طرف کوه ترعه در بطن کوه

در طرف کوه ایلی در بطن کوه

در بطن کوه ایلی در بطن کوه

در بطن کوه ایلی در بطن کوه

در بطن کوه ایلی در بطن کوه

از این آب در بطن کوه





نفضال  
الوا

# یکصد خاندان حکومت گران

(خاندان اتابک)

۸



## فرزندان اسکندربیک

یکی دیگر از فرزندان ابراهیم امین السلطان و برادر علی اصغر اتابک مردی بنام اسکندر بیک می بود که سالهای متمادی امور ( دخیل آبادارخانه ) را بعهده داشت از او دو فرزند نامدار باقی ماند : یوسف خان سقا باشی پسر اسکندر بیک بجهت اشتغال مدت درازی به امور سقا باشی گری باین نام معروف گردید ، یوسف سقا باشی بعد عهده دار کار آب و نان دار ریاست اداره آب و غله تهران شد و از اینراه ثروتی اندوخت .

پسر دیگر اسکندربیک ، ( حسینعلی عزالسلطان ) بود که با خواهر وقار الملک ازدواج میکند ، خازن حضور ، برآیند این پیوند است که دختر اتابک را می گیرد اسمعیل امین الملک برادر اتابک داماد او می شود . عزالسلطان در ۱۳۰۸ خ . ( ۱۸۹۱ م . ) عهده دار ریاست فوج سواد کوه و امور بیوتات سلطنتی تهران می شود و به درجه سرتیپی نایل می آید جرج چرچیل پس از شرح مشاغل وی ، درآمد سالانه او را سه هزار پوند می نویسد از عزالسلطان فرزندان متعدد باقی میماند که معروفترین آنها از این قرارند :

حاج اسکندر که عهده دار سمت عموی خود سقا باشی گری می شود مدتی نیز رئیس فوج

سواد کوه بوده است . غلامرضا وقارالملک که حکمران نواحی مختلف بوده مدتی نیز حکمرانی خوزستان را بعهدہ داشت برادر او علی اکبر موقر الملک است .

### خاندان لاجینی

ابراهیم امین السلطان را برادری بنام حسین می بود که طبق نوشته میرزا علیخان امین الدوله ( خانه شاگرد ومجموعه کش ارک تهران بود و چون کچل وکشیف بود بخدمت پست اشتغال داشت ، چند سالی از عمرش گذشت سنش به خانه شاگردی مناسبت نمیکرد کسانی او را با برادرش بدگان کفشدوزی سپردند در پیش اسناد مزدور با اجرت مختصر معاش می نمودند تا ناصرالدین میرزا ولیعهد بحکمرانی آذربایجان مأمور شد اسکندر بیک عمر این دو طفل که در دستگاه ولیعهد سقاباشی و دخیل و عمل آبدارخانه بود بنسبت هم نژادی با حاجی بیژن کارش رونق داشت برادر زاده های خود را در سلک آبدارخانه به تبریز برد . . . حسین جونادما به خمر مبتلا شد در نوکری دوام نیاورد . . . ) نواده این حسین ، سالار معتمد است که ابتدا لقب معین حضور داشت و به حکمرانی شهرها و استانهای متعدد منجمله مازندران ، دامغان و خمسه . . . می رسد .

فرزندان او نام فامیل ( لاجینی ) را برای خود برگزیده اند ابوالقاسم لاجینی نویسنده کتاب عباس میرزا نایب السلطنه پسر سالار معتمد است سالار معتمد برادری بنام عباس خان داشت که بزرگ خاندان ( پیشداد ) است .

### مشیر اعظم ( احمد اتابکی )

احمد اتابکی دومین فرزند علی اصغر فرزند اتابک که گویا در ۱۲۵۶ ( ۱۸۸۱ م ) .  
پابجهان می گذارد و لقب مشیر اعظم می یابد .  
پدرش در میان فرزندان به او بیشتر  
دل بستگی داشت از اینرو وقتی از صدارت  
برکنار میشود و بار سفر دور دنیا را می بندد  
مشیر اعظم نیز بهمراه پدر به سفر شرق و  
غرب میرود .

با بازگشت اتابک به ایران و احراز پست  
نخست وزیر ، مشیر اعظم نیز بسوی مشروطه  
طلبان گرایش می یابد داخل ( انجمن آدمیت )  
می گردد .

مشیر اعظم ( احمد اتابکی )



بعد از مرگ پدر مورد توجه احمد شاه قرار می‌گیرد به وزارت دربار آخرین پادشاه قاجار میرسد و سپس عضویت شورای سلطنتی را بدست می‌آورد، در کابینه ۱۴ اسفند ۱۲۹۴ (۱۹۱۶ م .)

سپهسالار تنگابنی ( محمد ولیخان خلعتبری ) وزیر فواید و عامه ، در کابینه تیرماه ۱۳۰۵ ( ۱۹۲۶ ) مستوفی الممالک وزیر پست و تلگراف . و در دوره ۵ قانونگذاری به نمایندگی مجلس از فساتعین می‌شود ، جرح چرچیل ، او را بشخصه آدم ارزنده‌ای نمیداند پیشرفت و قدرت او وراثتی از شخصیت پدر و کمک سفارت انگلستان بنوعیه اتابک می‌داند در ۵۴ سالگی بسال ۱۳۱۶ بدرود زندگی می‌گوید .

کتاب ( نمایندگان ) نوشته مؤسسه تحقیقات اجتماعی بفلط نام پدر او را ( حاج سید جواد روحانی ) نوشته است اسناد وزارت بریتانیا او را مرد خوشگذرانی معرفی میکند<sup>۱</sup> حسین اتابکی یکی از ثروتمندان و معروفین تهران که به ریاست دفتر سپهبد رزم آرا نخست‌وزیر رسید فرزند مشیر اعظم و نواده اتابک است ، حسین اتابکی و علی اصغر اتابکی فرزندان مشیر اعظم هستند .

#### اتابکی ، محسن

محسن اتابکی فرزند علی اصغر اتابک متولد ۱۳۱۶ ق . ( ۱۸۸۹ م . ) که پدرش او را برای تحصیل به اطریش فرستاد ولی در اینراه موقعیتی نیافت بهنگام بازگشت اتابک به ایران همراه پدر بر میگردد کار دولتی خود را از خدمت در وزارت دارائی شروع می‌کند سپس در وزارتخانه‌های راه و خارجه صاحب پستها و مشاغل مهم سیاسی می‌گردد .

رئیس کابینه وزارت فواید و عامه ، مدیرکل معاون ، رئیس کمیته راه آستارا ، ریاست اداره طرق و معاون دارائی تهران ، معاون دارائی گیلان ، پیشکار دارائی گیلان ، رئیس کابینه وزارت پست و تلگراف ، نایب اول سفارت ایران در بروکسل ( ۱۳۰۵ خ . ) ۲۶۲۶ م . دبیر سفارت ایران در استامبول . دبیر سفارت ایران در لندن ۱۳۰۹ - ۱۳۱۱ خ . ( ۱۹۳۰ - ۳۲ م . ) نایب اول سفارت کبرای واشنگتن ( ۱۳۱۲ خ . ) ۱۹۳۳ م . نایب سفارت ایران در دمشق .

در گزارش خود در باره بیوگرافی رجال معاصر از زندگی او چنین می‌نویسد : زن اولش از او طلاق گرفت با علی اکبر داور ازدواج کرد او نیز رهایش نمود بعد در استامبول با جوانی بنام جورابچی ازدواج کرد .

۱ - تاریخ رجال ایران جلد ۱ صفحه ۷۵ - آزادی فکر ۲۴۲ - تاریخ ایران سایکس  
۲ - سالنامه وزارت خارجه ۱۳۱۴ صفحه ۹۱ - سردار جنگل ۲۲۱



اتابکی ، رحمت

رحمت اتابکی پسر آقا محمد حسن برادر اتابک که بسال ۱۲۸۲ خ . ( ۱۹۰۳ م . )  
 پا بجهان می گذارد ابتدا خدمات خود را در دادگستری سپس در وزارت خارجه شروع می کند  
 ۱۳۱۰ خ . ( ۱۹۳۱ م . ) رئیس اداره پنجم وزارت خارجه ، نماینده دولت ایران در سوئیس  
 نماینده ایران در کنفرانس بین المللی کارگران ، اتاشه سفارت ایران در برن منشی نمایندگی  
 ایران در ملل متحد ، قنصل ایران در بیروت ، وزیر مختار ایران در لبنان ، عضو شورای  
 عالی وزارت خارجه ، وزیر کشور ، وزیر مختار ایران در استرالیا سفیر ایران در سوئیس .  
پیوندهای سیاسی

این خاندان حکومتگروکیل ، قریب ، همراز ، معیری ، مسعود ، افشار ، اسفندیاری .  
 اخوی ، گیلانشاه ، وثوق ، اعلم ، امامی خوئی ، عضدی ، امینی ، اینجنین خویشاوندی دارد  
 سیدهاشم وکیل رئیس سابق کانون وکلای ایران و فاضل الملک همراز دامادهای رحمت  
 اتابکی ، میرزا تقی اتابکی پدر زن حاج مختار السلطنه قریب ، سید محمد خان دبیری  
 داماد امین حضرت خزانه ثروتمند معروف داماد مشیر اعظم ( اتابکی ) .  
 اکبر مسعود ( صارم الدوله ) ، دوستعلی معیر الممالک ، خازن الدوله ، محمد باقر  
 امیر نظام و گیلانشاه ، دامادهای اتابک ، مصطفی وکیل الدوله ( اتابکی ) پدر زن موفق  
 السلطنه اسفندیاری ، سید حسین اخوی و سرهنگ گیلانشاه دامادهای حسینعلی عزالسلطان .

بقیه از صفحه ۳۵

پایان

قلست و نقصان آب در رفاه باشند و ضمنا " باقیات و صالحاتی باشد . از قراریکه ملاحظه  
 و مشهود میشود بواسطه تقلب میرابها از این فیوضات محروم .  
 آنچه آب است در خیابان و محله های بیرون جریان و طغیان دارد اهالی این محله  
 تماما " شاکمی و تشنه هستند .

وجود یک نفر آدم بصیر کافی برای مواظبت این کار لازم است اهالی محله جنابعالی  
 را منتخب و خیر محض فرض کرده اند برای ترتیب آب این محله سابقا " از طرف حکومت  
 شرعی و عرفیه احکام متعدد بعهده جنابعالی صادر شده بود از طرف مخلص هم امین و وکیل  
 هستیدکه با ستعانت جناب مستطاب شریعت مآب علامی فهامی آقای حاج میرزا محمد علی  
 سلمه الله در این کار اقدام فرموده در تغییر و تبدیل میراب و ترتیبات لازمه اسباب آسایش  
 عموم اهالی محله بطور خوشی فراهم نمایند انشاء الله بی اجر نخواهد بود شهر ذی حجه  
 ۱۳۱۶ - پشت صفحه مهر سعد السلطنه

در حاشیه نامه مزبور میرزا علی اصغر خان تابک صدراعظم وقت چنین نوشته است .  
 از همین قرار مجری و معمول دارند  
 مهر صدراعظم